

نقد و بررسی دستورالعمل اجرایی صدور و راهبری کارت

خرید اعتباری

عبدالحسین شیروی^{۱*}، آناهیتا یوسفندی^۲

استاد دانشکده حقوق، پردیس قم، دانشگاه تهران

کارشناس ارشد حقوق خصوصی، پردیس قم، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۸۸/۲/۴؛ تاریخ تصویب: ۸۸/۵/۶)

چکیده

صدور کارت‌های اعتباری از سوی بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی و اعتباری تجربه نوینی در ایران است. تطبیق کارت‌های اعتباری با موازین اسلامی و بانکداری بدون ربا و ایجاد ساختارهای حقوقی لازم جهت برقراری امنیت کارت‌ها، جلوگیری از تقلبات و حل و فصل اختلافات از مهم‌ترین چالش‌هایی است که قانون‌گذار ایرانی با آن مواجه است. از آنجا که صدور و استفاده از کارت‌های اعتباری بدون بستر حقوقی لازم امکان‌پذیر نمی‌باشد، «دستورالعمل اجرایی صدور و راهبری کارت خرید اعتباری» در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۷ توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تصویب و ابلاغ گردید. در این مقاله دستورالعمل مزبور و کاستی‌ها و اشکالات آن مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی

کارت اعتباری، کارت خرید اعتباری، بانکداری بدون ربا، دستورالعمل اجرایی صدور و راهبری کارت‌های خرید اعتباری.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مقدمه

از زمان‌های گذشته، بسیاری از مغازه‌ها حساب دفتری و یا چوب خط داشته و به مشتریان مورد اعتماد خود نسیه می‌دادند و بعداً مبلغ آن را دریافت می‌کردند. میزانی که فرد می‌توانست از یک مغازه نسیه خریداری کند، خیلی زیاد نبود که در هر حال به میزان توانایی مالی فروشنده و اعتبار خریدار بستگی داشته است. مدت بازپرداخت نیز معمولاً کوتاه بوده و به برداشت محصول و یا رسیدن اول ماه منوط بوده است. با گسترش جوامع، تنوع در نیازها و عدم آشنایی و اعتماد کسبه به خریداران خود، این روش مرسوم روز به روز متروک گردید به نحوی که امروزه به سختی می‌توان از آن نوع خریدهای نسیه سراغ گرفت.

توسعه فن‌آوری و ارتباطات این امکان را فراهم کرد که افراد بتوانند به شیوه مدرن کالاها و خدمات مورد نیاز خود را از فروشگاه‌ها و مراکز خدماتی نسیه خریداری کنند. بر خلاف شیوه‌های سنتی که فروشنده به خریدار نسیه کوتاه مدت می‌داد، در روش مدرن مؤسسه اعتباری مبلغی اعتبار در اختیار خریدار قرار می‌دهد که وی بتواند کالاها و خدمات مورد نیاز خود را به صورت نقدی خریداری کند و بعداً بدهی خود را به مؤسسه مزبور پرداخت نماید. چنانچه خریدار بدهی خود را در موعد مقرر پرداخت نکند، مشمول بهره می‌شود و باید اصل و فرع را به مؤسسه اعتباری پرداخت کند. بر این اساس، مؤسسه اعتباری یک فقره کارت اعتباری برای مشتری صادر می‌کند که مشتری می‌تواند از طریق آن نسبت به خرید کالاها و خدمات اقدام کند. در مقابل، مشتری متعهد می‌شود که حق آبونمان و بهره‌های متعلقه را به مؤسسه مزبور پرداخت نماید.

کارت اعتباری علاوه بر رفع نیاز فوری به نقدینگی، دارای مزایای متعدد اقتصادی و اجتماعی از جمله صرفه جویی در وقت، دقت در محاسبه، عدم نیاز به حمل پول نقد و ایجاد امنیت و آسایش روحی است. مزایای کارت‌های اعتباری باعث شده که در جوامع صنعتی از آن استقبال شایانی به عمل آید؛ به طوری که طی چند دهه گذشته به کارگیری این کارت‌ها در معاملات گسترش یافته و حجم بزرگی از مبادله‌ها را به خود اختصاص داده است (اسماعیلی، ۱۳۸۱). با ایجاد امکان بهره‌برداری از این کارت‌ها در سطح جهانی، امروزه جهان‌گردان، تاجر و تمام کسانی که به هر دلیلی سفر می‌کنند، می‌توانند به راحتی با در دست داشتن کارت و مراجعه

به مراکز پذیرنده کارت اقدام به خرید کالاها یا خدمات نموده و یا از دستگاه‌های خودپرداز وجه نقد دریافت کنند (کلانکی، ۱۳۷۸، ش ۱۸۱؛ امیرحسینی، ۱۳۸۰).

از آنجا که خاستگاه اصلی کارت‌های اعتباری کشورهای غربی با نظام بانکی ربوی است، این کارت‌ها بر اساس روش متداول بانکداری مبتنی بر سیستم بهره طراحی شده‌اند. استفاده از این کارت‌ها در نظام بانکداری اسلامی با چالش‌های زیادی روبرو است. با وجود این که هنوز مباحث فقهی پیرامون کارت‌های اعتباری به نتایج مسلمی منجر نشده و شک و تردیدها در مورد صحت و مشروعیت آن باقی است، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با تصویب و ابلاغ «دستورالعمل اجرایی صدور و راهبری کارت خرید اعتباری» (که از این به بعد در این مقاله «دستورالعمل اجرایی» نامیده می‌شود) ظاهراً به این مباحث پایان داده و صحت و مشروعیت آن را در نظام بانکداری ایران تأیید کرده است. در این مقاله، دستورالعمل اجرایی مورد بررسی قرار گرفته و نکات قوت و ضعف آن مطرح می‌گردد.

جایگاه حقوقی دستورالعمل اجرایی

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به استناد جزء ۴ بند ج ماده ۱۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران^۱ و در اجرای ماده ۱۰ آیین نامه نظام بانکداری الکترونیکی^۲ مصوب ۱۳۸۶/۱۲/۲۲ هیأت وزیران و به استناد ماده ۱۴ قانون پولی و

۱. جزء ۴ بند (ج) ماده ۱۰ قانون برنامه چهارم: "دولت مکلف است از سال اول برنامه چهارم، نسبت به برقراری نظام بانکداری الکترونیکی و پیاده‌سازی رویه‌های تبادل پول و خدمات بانکی الکترونیکی ملی و بین‌المللی در کلیه بانک‌های کشور و برای همه مشتریان اقدام نماید."

۲. ماده ۱۰ آیین نامه نظام بانکداری الکترونیکی: "بانک مرکزی مکلف است دستورالعمل صدور و راهبری کارت‌های اعتباری فراگیر را که فاقد قابلیت برداشت نقدی بوده و به صورت بین بانکی قابل استفاده باشد، ظرف یک ماه پس از ابلاغ این آیین‌نامه به شبکه بانکی کشور ابلاغ نماید."

۱. بانکی کشور^۱ مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸، ماده ۱ قانون تنظیم بازار غیر متشکل پولی^۲ مصوب ۱۳۸۳/۱۱/۶، بند ۵ از بخش نامه شورای پول و اعتبار تحت عنوان «تعهد و تضمین وجه صورت حساب دارندگان کارت بانک» و بندهای ۱ و ۲ آیین نامه گسترش بهره‌برداری از خدمات پول الکترونیک^۳ مصوب ۱۳۸۴/۵/۵ هیأت وزیران، نسبت به ابلاغ دستورالعمل اجرایی اقدام کرده است.

۱. بخش‌های مرتبط ماده ۱۴ قانون پولی و بانکی کشور: "بانک مرکزی ایران در حسن اجرای نظام پولی کشور می‌تواند به شرح زیر در امور پولی و بانکی دخالت و نظارت کند: ۱- تعیین نرخ رسمی تنزیل مجدد و بهره وام‌ها که ممکن است بر حسب نوع وام و اوراق و اسناد نرخ‌های مختلف تعیین شود. ۴- تعیین میزان حداقل و حداکثر بهره و کارمزد دریافتی و پرداختی بانک‌ها. ۷- تعیین شرایط معاملات اقساطی که اعتبار آن از طرف بانک‌ها تأمین می‌شود. ۸- تعیین مقررات افتتاح حساب جاری و پس‌انداز و سایر حساب‌ها. ۱۰- رسیدگی به عملیات و حساب‌ها و اسناد و مدارک بانک‌ها و اخذ هر گونه اطلاعات و آمار از بانک‌ها با توجه به لزوم حفظ اسرار حرفه‌ای. ۱۳- تعیین حداکثر مجموع وام‌ها و اعتبارات بانک‌ها به طور کلی یا در هر یک از رشته‌های مختلف. ۱۵- تعیین مقررات مشروح در بندهای ۱ تا ۱۴ بالا برای مؤسسات اعتباری غیر بانکی. تبصره - استفاده از اختیارات موضوع این ماده باید قبلاً به تصویب شورای پول و اعتبار برسد."

۲. جزء (ح) ماده ۱ قانون تنظیم بازار غیر متشکل پولی: "اعطای تسهیلات: پرداخت هر گونه وجه در قالب تنزیل اسناد و هرگونه اوراق بهادار، مساعده، وام، اعتبار، تسهیلات مالی به اشخاص تحت هر عنوان و به هر شکل بابت تأمین نیاز نقدینگی متقاضیان، خرید اموال منقول و غیرمنقول و فروش یا اجاره اموال به آنان طبق مقررات این آیین‌نامه و موارد مشابه به نحوی که بازپرداخت به صورت وجه نقد یا با استفاده از سایر ابزار پرداخت به طور قسطی یا یکجا صورت پذیرد."

۳. ماده ۱ آیین‌نامه گسترش بهره‌برداری از خدمات پول الکترونیک: "به منظور ایجاد تسهیلات و ارتقای کیفیت خدمات به مردم و در جهت تحقق بند (۴) ماده (۱۰) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳ - کلیه بانک‌های کشور (دولتی و خصوصی) موظفند نسبت به صدور انواع کارت پول الکترونیکی (اعتباری، پیش پرداخت) و نصب تجهیزات مربوط از قبیل دستگاه‌های خودپرداز (ATM) و پایانه فروش (pos) و پرداخت اینترنتی جهت استفاده فرآیند خرید و فروش کالا و خدمات در کشور اقدام نمایند. مشارکت بخش خصوصی مطابق ضوابط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مجاز می‌باشد. ماده ۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، ضوابط و مشخصات فنی - اجرایی مربوط به نظام و فرآیند بانکداری الکترونیکی اعم از داخلی و بین‌المللی و تجهیزات و خدمات پول الکترونیک از قبیل انواع کارت پول الکترونیکی، انواع دستگاه‌های الکترونیکی دریافت و پرداخت مثل پایانه فروش (pos) و خودپرداز (ATM)، شرایط فعالیت شرکت‌های بخش خصوصی در ارائه خدمات پول الکترونیکی، ایجاد مرکز پایاپای بین بانکی، پرداخت اینترنتی، نحوه صدور گواهی دیجیتال مورد نیاز شبکه بانکی و همکاری‌های بین‌المللی در ارائه خدمات پول الکترونیکی در داخل و خارج از کشور با هماهنگی سیاست‌های تجارت الکترونیکی تهیه، تصویب و ابلاغ و نظارت می‌نماید. کلیه دستگاه‌های کشور موظف به رعایت استانداردهای مذکور در خدمات مربوط می‌باشند."

هرچند قوانین و مقررات فوق به بانک مرکزی ایران اجازه می‌دهد که دستورالعمل‌هایی را برای انجام فعالیت‌های بانکی و اعطای تسهیلات صادر کند، به نظر نمی‌رسد که کلیه مطالب مندرج در دستورالعمل اجرایی، از جمله مشروعیت بخشیدن به اخذ جریمه دیر کرد تحت عنوان وجه التزام یا تعیین حداقل و حداکثر برای وجه التزام، یا اتخاذ تصمیم در مورد نوع قرارداد، در حیطه شرح وظایف بانک مرکزی باشد. برخی از نکات مهم و اساسی که در دستورالعمل اجرایی آمده است به قانون‌گذاری از طریق مجلس نیاز دارد. تنظیم مقررات ناظر به کارت‌های اعتباری از طریق صدور دستورالعمل به بانک مرکزی اجازه می‌دهد که بتواند به سرعت مندرجات دستورالعمل را تغییر یا اصلاح نماید. این امر می‌تواند ثبات در کارت‌های اعتباری را مخدوش نماید.

تعریف کارت اعتباری

در یک تعریف ساده و کلی کارت اعتباری به کارتی اطلاق می‌شود که توسط یک مؤسسه اعتباری مثل بانک صادر می‌شود و دارنده آن می‌تواند به میزان اعتبار تعیین شده نسبت به خرید کالا و خدمات به صورت نقدی و یا دریافت وجه نقد اقدام نماید. در صورت استفاده از کل یا بعض اعتبار مزبور، دارنده موظف است بدهی را ظرف مهلت مقرر تسویه نماید و یا مشمول پرداخت سود (بهره) شود (بدوی، ۲۰۰۳، ص ۷۵؛ عبدالفتاح، بی تا، ص ۱۳۹؛ قلعه‌جی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۱۰؛ ابراهیم ابوسلیمان، ۱۴۲۴ق، ص ۲۴۵؛ فرهنگ، ۱۳۷۱، ص ۴۴۹؛ قدیری اصل، ۱۳۷۶، ص ۱۰۰؛ الزعتری، ۱۴۲۴ق، ص ۱۷۳). اگر چه در بند (۲) ماده ۱ دستورالعمل اجرایی «کارت اعتباری» از جمله مصادیق «کارت پرداخت» تلقی شده است، ولی از کارت اعتباری تعریف مشخصی ارائه نشده است و به جای آن «کارت خرید اعتباری» تعریف شده است.

مطابق با بند (۴) ماده ۱ دستورالعمل اجرایی، کارت خرید اعتباری "عبارت است از نوعی کارت پرداخت که مؤسسه اعتباری صادرکننده می‌تواند خدمات مربوط به آن را در چارچوب این دستورالعمل به مشتریان خود ارائه کند." از این تعریف تنها می‌توان به دست آورد که کارت خرید اعتباری یک نوع کارت پرداخت است که مؤسسه اعتباری صادر می‌کند و حاوی جزئیات بیش‌تری نیست. از آنجا که این تعریف خیلی کلی و ناقص است، بود و نبود آن در دستورالعمل اجرایی زیاد تفاوتی نمی‌کند.

دستورالعمل اجرایی تنها به کارت‌های خرید اعتباری ناظر می‌باشد و شامل کارت‌های - اعتباری به معنای اعم که در بردارنده امکان برداشت وجه نقد نیز باشد، نیست. همان‌طور که

اشاره شد کارت اعتباری به منظور خرید کالا و خدمات و دریافت پول نقد صادر می‌شود که بر اساس آن بانک یا مؤسسه پولی یا اعتباری کارتی را صادر می‌کند و به دارنده آن امکان می‌دهد که کالاها یا خدماتی را بدون پرداخت وجه نقد و صرفاً با ارایه کارت مزبور خریداری و یا تا سقف اعتبار اعطایی پول نقد برداشت کند.

قرارداد کارت اعتباری

در دستورالعمل اجرایی تصریح شده است که بین بانک یا مؤسسه اعتباری از یک طرف و مشتری از طرف دیگر قراردادی منعقد می‌شود که به موجب آن طرف اول ضمن صدور کارت خرید اعتباری برای طرف دوم، سقف اعتباری را به صورت قرض‌الحسنه در اختیار دارنده کارت قرار می‌دهد که دارنده بتواند در سقف اعتبار مزبور نسبت به خرید کالا یا خدمات اقدام کند. صادرکننده نیز به نوبه خود تعهد و تضمین می‌کند که مبالغ استفاده شده را به پذیرندگان کارت پرداخت نماید. در این قرارداد، بانک و یا مؤسسه اعتباری (صادرکننده کارت) و مشتری (دارنده کارت) تعهداتی را به شرح زیر می‌پذیرند.

صادرکننده کارت متعهد می‌شود که اعتبار معینی را تحت عنوان قرض‌الحسنه در اختیار دارنده کارت قرار دهد. میزان این اعتبار بستگی به توافق طرفین دارد. در دستورالعمل اجرایی حداقلی برای میزان اعتبار اعطایی معین نشده است، ولی حداکثر میزان آن به «مانده اعتبار فردی» محدود شده است. مطابق با بند (۱۶) ماده ۱ دستورالعمل اجرایی، مانده اعتبار فردی عبارت از سقف مجاز اعتباری هر شخص منهای حاصل جمع تسهیلات قرض‌الحسنه دریافتی او و مجموع سقف اعتبار کارت‌های خرید اعتباری صادر شده برای آن شخص است. صادرکننده هم‌چنین متعهد می‌شود که در سقف اعتبار اعطایی، مبالغ مصرف شده توسط مشتری را به پذیرنده کارت پرداخت نماید.

دارنده کارت (مشتری) نیز متقابلاً متعهد است که ضمن پرداخت هزینه صدور کارت و آبونمان، در مدت مقرر در قرارداد نسبت به تسویه مبلغ بدهی خود اقدام نماید. چنانچه دارنده کارت مبلغ بدهی خود را ظرف مدت مزبور تسویه ننماید، در این صورت مشمول پرداخت وجه التزام به شرح مقرر در قرارداد خواهد شد. مشتری قبل از این که بتواند قرارداد کارت خرید اعتباری را منعقد نماید باید حساب قرض‌الحسنه، جاری یا سرمایه‌گذاری کوتاه مدت نزد بانک صادرکننده افتتاح نماید.

در خصوص ماهیت قرارداد کارت اعتباری بین دانشمندان اختلاف نظر وجود دارد. برخی

آن را از مصادیق عقود بی‌نام می‌دانند و عده‌ای دیگر آن را مطابق با یکی از عقود معین مثل حواله، قرض، ضمانت، وکالت و جعاله می‌دانند. در اینجا برخی از این نظرات بررسی می‌شود.

انطباق قرارداد کارت اعتباری با عقد قرض

برخی از نویسندگان از جمله عبدالوهاب ابوسلیمان در نوشته خود تلاش می‌ورزد تا قرارداد کارت‌های اعتباری را در چارچوب عقد قرض لازم توجیه کند. ایشان می‌گوید: "بانک صادرکننده این حق را به دارنده کارت می‌دهد که حداکثر تا مبلغ معینی به صورت نقد یا خرید کالا از کارت برداشت کند. در چنین مواردی هیچ بحثی وجود ندارد که قرارداد بین صادرکننده و دارنده کارت یک قرارداد قرض در حقوق اسلامی است در چنین مواردی بانک صادرکننده، قرض دهنده و دارنده کارت قرض گیرنده است" (ابراهیم ابوسلیمان، ۱۳۲۴، ص ۲۴۶).

ممکن است گفته شود که از ماده ۵ دستورالعمل اجرایی نیز استفاده می‌شود که قرارداد مذکور «قرض» است، زیرا در این ماده آمده است که "مؤسسه اعتباری صادرکننده مطابق با عقد قرض الحسنه می‌تواند حداکثر تا سقف مانده اعتبار فردی هر شخص از محل منابع خود نسبت به تأمین مالی لازم برای کارت‌های اعتباری استفاده نماید." به نظر نمی‌رسد که این برداشت صحیح باشد، زیرا منظور از «عقد قرض الحسنه» در این ماده همان «قرارداد» است که در مواد متعددی از دستورالعمل اجرایی بدان اشاره شده است. ماده ۵ ناظر به نوع تسهیلاتی است که مؤسسه اعتباری در اختیار متقاضی کارت خرید اعتباری قرار می‌دهد، فارغ از این که روابط بین طرفین بر اساس چه نوع قراردادی تنظیم شده است.

در هر حال، تطبیق قرارداد مزبور با عقد قرض صحیح نیست، زیرا اولاً، "قرض در زمان انعقاد قرارداد فعلیت ندارد و بعداً با خرید کالا و خدمت توسط دارنده کارت و پرداخت بهای آن توسط مؤسسه اعتباری فعلیت پیدا می‌کند، در حالی که اگر دارنده کارت حتی از آن استفاده نکند و قرض محقق نشود، باز روابط قراردادی بین بانک صادرکننده و دارنده مبنی بر تعهد به پرداخت هزینه صدور و آبونمان به جای خود باقی است. ثانیاً، با وجود تعیین سقف اعتبار، در زمان انعقاد قرارداد میزان دقیق قرض معلوم نیست. ثالثاً، قرارداد دارای زمان اعتبار می‌باشد که طبق دستورالعمل ۳ سال است، در حالی که زمان بازپرداخت قرض ممکن است حداکثر یک ماه باشد. رابعاً، طبق ماده ۶۵۱ قانون مدنی قرض دهنده می‌تواند هر زمان طلب خود را مطالبه نماید، مگر به وجه ملزومی، اجلی برای ادای قرض مقرر شده باشد. فرض قانون‌گذار در این ماده این است که صرف تعیین اجل در عقد قرض ایجاد تعهد و الزام نمی‌کند و این امر باید جداگانه

در یک عقد لازم دیگری محقق شود. خامساً، تضمین و تعهد بانک نسبت به پذیرنده کارت و بانک‌های کارگزار که از طریق شبکه شتاب مبلغ مزبور را به پذیرنده پرداخت می‌کنند با عقد قرض قابل توجیه نیست.

انطباق قرارداد کارت اعتباری با قراردادهای بیع نسبه، وکالت و ضمانت

بعضی از نویسندگان (اشجعی و شیخانی، ۱۳۷۷، ص ۸۵) طرحی را ارائه کرده‌اند که براساس آن، فروشگاه‌ها و مراکز تجاری و خدماتی که حاضرند کالاها و خدمات خود را به صورت نسبه دفعی یا اقساطی به مشتریان بفروشند، با بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی صادرکننده-کارت اعتباری قرارداد می‌بندند، مبنی بر این‌که اولاً، بانک مسئولیت پیگیری و اخذ مبلغ معامله را از طرف پذیرنده به عهده گیرد و با ارسال صورت‌حساب به دارنده کارت و دادن فرصت مناسب، مبلغ معامله را از وی دریافت و به حساب پذیرنده کارت واریز کند. این امر می‌تواند به صورت دریافت کل وجه در آخر ماه یا تقسیط آن در چند نوبت صورت گیرد. ثانیاً، بانک پرداخت بدهی مشتری در سررسید یا سررسیدهای مقرر را تضمین می‌کند. بنابراین بانک زمانی متعهد به پرداخت بدهی است که پرداخت خرید نسبه کالا یا خدمت حال شود.

در این روش، رابطه حقوقی بین عناصر تشکیل‌دهنده کارت، قراردادهای بیع نسبه، ضمانت و وکالت است به این معنا که پذیرنده کارت (مراکز تجاری و خدماتی)، کالاها و خدمات خود را به صورت نسبه با قیمتی بالاتر از قیمت نقد به دارنده کارت می‌فروشد و دارنده کارت براساس قرارداد بیع نسبه متعهد می‌شود که قیمت کالاها و خدمات را به فروشنده در سررسید یا سررسیدهای مقرر به او پرداخت کند. صادرکننده کارت، دریافت بدهی دارنده کارت را در سررسید و واریز آن به حساب فروشنده را به عهده می‌گیرد و همچنین پرداخت بدهی دارنده کارت را نزد فروشنده کالا و خدمت ضمانت می‌کند. این روش گرچه از نظر فقهی مجاز است، اما دو اشکال مهم دارد.

اولاً، هدف از ابداع و ترویج کارت‌های اعتباری به وسیله بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی به جریان انداختن منابع نقدی بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی صادرکننده کارت است، در حالی که در این طرح چنان‌که خود طراحان اذعان دارند، مؤسسه مالی صادرکننده کارت، نقش ضامن و وکیل دریافت و پرداخت بدهی را دارد و منابع مالی صادرکننده به جریان نمی‌افتد و فقط در مواردی که دارنده کارت در پرداخت بدهی تأخیر کند، بانک از منابع خود به صورت ضامن استفاده می‌کند که این موارد استثناً بوده و ممکن است اصلاً اتفاق نیفتد. بنابراین، روش مذکور با هدف اصلی انتشار کارت‌های اعتباری منافات دارد.

ثانیاً، این روش به آن گروه از مراکز تجاری و خدماتی منحصر خواهد شد که توان مالی بالایی دارند و می‌توانند با فروش نسبه کالاها و خدمات، نیاز مشتریان را برآورند و روشن است که چنین مراکزی اندک هستند. در نتیجه این روش نمی‌تواند فراگیر بوده و در سطح جامعه گسترش یابد (همان، ص ۸۸).

انطباق قرارداد کارت اعتباری با خرید و فروش وکالتی یا اجاره (جماله)

در دیدگاه دیگر، کارت اعتباری براساس خرید و فروش وکالتی توجیه شده است. در این روش، صادرکننده کارت اعتباری (بانک) با تعیین سقف اعتبار و تحویل کارت به مشتری به او وکالت می‌دهد که از طریق کارت اعتباری نسبت به استفاده از منابع مالی صادرکننده کارت اقدام کرده و کالاهای مورد نیاز خود را از طرف صادرکننده خریداری کند؛ سپس دارنده کارت کالاهای خریداری شده را با احتساب سود معین به وکالت از طرف صادرکننده کارت به خودش به نسبه می‌فروشد. صادرکننده کارت ضمن قرارداد وکالت متعهد می‌شود که چنانچه دارنده کارت زودتر از سررسید معین (مدت نسبه) بدهی خود را به صادرکننده کارت، تصفیه کند، متناسب با مدت باقیمانده از کل یا بخشی از سود خود صرف نظر کند. برای مثال، وقتی شخصی کارت اعتبار معینی را از بانک دریافت می‌کند، بانک طی قراردادی به وی در خرید و فروش وکالت می‌دهد؛ زمانی که دارنده کارت کالایی را انتخاب می‌کند، آن کالا را با استفاده از منابع بانک به وکالت از طرف بانک برای بانک خریداری می‌کند و بهای آن را با استفاده از کارت اعتباری می‌پردازد؛ سپس کالای خریداری شده را با افزایش ۱۰ درصد سود (برای مثال) به وکالت از طرف بانک به صورت نسبه شش ماهه (برای مثال) به خودش می‌فروشد و متعهد می‌شود تا شش ماه قیمت نسبه کالا (قیمت نقد کالا به اضافه سود بانک) را به بانک بپردازد. در این روش چنانچه دارنده کارت، بدهی خود را تا یک ماه بپردازد، بانک از کل سود خود صرف نظر و به بهای نقدی کالا بسنده می‌کند و چنانچه بعد از یک ماه و قبل از سررسید شش ماهه بپردازد، متناسب با مدت باقیمانده، از بخشی از سود بانکی صرف نظر می‌کند و اگر قیمت را به صورت اقساط مساوی ماهانه پرداخت کند، از تخفیف پنجاه درصدی سود بانکی برخوردار می‌شود.

در این روش، اگر موضوع معامله خدمات باشد و دارنده کارت بخواهد با استفاده از کارت اعتباری از خدمات شرکت‌ها و مؤسسه‌هایی چون هتل، بیمارستان، دانشگاه و هواپیمایی استفاده کند، چون به اعتقاد برخی از فقیهان و تصریح ماده ۳۳۸ قانون مدنی، بیع مخصوص نقل و

انتقال اعیان (کالاها) است و شامل منافع (خدمات) نمی‌شود برای این منظور می‌توان در خرید منافع و خدمات از قرارداد وکالت و اجاره و یا جعاله استفاده کرد؛ به این معنا که دارنده کارت به وکالت از طرف بانک و با استفاده از منابع بانک به قرارداد اجاره یا جعاله نقدی خدمات مورد نیاز خود را تهیه می‌کند و سپس با احتساب سود بانکی به وکالت از طرف بانک در اجاره یا جعاله نسبه به خودش واگذار می‌کند و متعهد می‌شود در سررسید معین، بدهی خود (قیمت نقدی به اضافه سود بانکی) را به بانک بپردازد (موسویان، ۱۳۸۳، صص ۷۳ و ۷۴).

اگر چه این روش می‌تواند نحوه تعامل بانک، دارنده کارت و فروشنده کالاها و خدمات را توجیه کند، ولی از واقعیت بسیار دور است. تمسک به تصورات ذهنی برای توجیه شرعی یک عمل پسندیده نیست. افرادی که از کارت‌های اعتباری برای خرید کالا و خدمت استفاده می‌کنند، قصد ندارند که برای بانک خریداری کنند و سپس آن را به نسبه به خود منتقل کنند. عقد تابع قصد است و زمانی که چنین قصدی محرز نشود، نمی‌توان به وقوع عقد خاصی اذعان نمود. مطابق با این روش، اگر دارنده کارت نسبت به تسویه بدهی خود در مدت نسبه اقدام نکند، بانک نمی‌تواند مبلغ اضافی دریافت نماید که با روش عملی در اخذ بهره تا تسویه حساب منافات دارد.

قرارداد کارت اعتباری قراردادی بی‌نام

هر چند برخی از فقیهان و حقوق‌دانان معاصر نیز مانند وهبه الزحیلی، عبدالله بن منیع و رفیق المصری، معامله با کارت‌های اعتباری را با حواله یا ضمان تطبیق می‌دهند (قلعه‌جی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۱۴)، تطبیق قرارداد کارت خرید اعتبار با عقود حواله یا ضمان نیز مشکل است، زیرا هیچ‌کدام از عقود مزبور توانایی توجیه کلیه روابط حقوقی فیما بین بانک و مشتری را ندارد و نمی‌تواند به تنهایی روابط طرفین را پوشش دهد. بدین ترتیب نظریه استقلال قرارداد کارت - اعتباری مطرح می‌شود.

از آنجا که انطباق قرارداد اخذ کارت اعتباری با هیچ‌کدام از عقود معین قابلیت تطبیق کامل ندارد، به نظر می‌رسد که نمی‌توان آن قرارداد را در قالب یکی از عقود معین توجیه کرد. همین دیدگاه نیز از دستورالعمل اجرایی قابل استظهار است که نام معینی برای قرارداد مزبور به کار نگرفته است. بنابراین، قرارداد مزبور یک قرارداد بی‌نام است که طبق ماده ۱۰ قانون مدنی ایران

بین طرفین لازم‌الاجرا می‌باشد. این استظهار از این جهت تقویت می‌شود که قرارداد کارت خرید اعتباری «قراردادی پایه»^۱ سه ساله است که بستر ایجاد روابط قراردادی بعدی را فراهم می‌سازد. این قرارداد پایه نایستی با روابط حاصله در نتیجه استفاده از کارت اعتباری خلط گردد. در قرارداد پایه طرفین تعهدات متعددی را می‌پذیرند که از مهم‌ترین آنها صدور کارت اعتباری توسط بانک، اجازه استفاده از کارت به دارنده، تعهد و تضمین بانک نسبت به پرداخت بهای کالاها و خدماتی که دارنده خریداری می‌کند، تعهد مشتری به تسویه مبلغ استفاده شده، پرداخت وجه التزام در صورت تأخیر در تسویه حساب و پرداخت هزینه صدور کارت و آبونمان است. بنابراین، قرارداد پایه با ترتیبات اعطای تسهیلات که در زمان استفاده از اعتبار مزبور عینیت پیدا می‌کند، تفاوت دارد.

تسویه بدهی

اصولاً به دارنده کارت اعتباری این اجازه داده می‌شود که بدون داشتن وجه نقد نزد بانک صادرکننده توسط کارت اعتباری نسبت به خرید کالا و استفاده از خدمات و یا برداشت وجه نقد بپردازد. مهم‌ترین مزیت کارت اعتباری فاصله زمانی بین خرید کالا و خدمات و پرداخت بهای آن توسط دارنده کارت است. معمولاً در اوایل هر ماه صورت حساب خریدهای مشتری در ماه قبل به آدرس وی ارسال می‌شود که حاوی جزییات کلیه خریدها و دریافت‌های نقدی می‌باشد. مشتری موظف است که ظرف مهلت مقرر صورت حساب را تسویه نماید و در صورتی که در این امر تأخیر داشته باشد به آن بهره تعلق می‌گیرد. چنانچه دارندگان کارت بخواهند می‌توانند تنها بخشی از کل مبلغ استفاده شده را تسویه کنند و ما بقی بدهی خود را با تأخیر و یا طی چند قسط پرداخت نمایند که در این صورت باید بهره پول را نیز پرداخت کنند (امیراصلانی، ۱۳۷۶، ص ۶۲). عموماً محاسبه این بهره در مورد پرداخت‌های نقدی از زمان دریافت پول انجام می‌گردد، اما در مورد خرید کالا و خدمات، بانک‌ها عموماً بهره‌ای را برای دارندگان کارت در نظر نمی‌گیرند، مشروط به این که ظرف مدت ۲۵ روز یا ۳۰ روز (در بانک‌ها و کشورهای مختلف متفاوت است) از تاریخ صورت حساب نسبت به تسویه بدهی خود اقدام نمایند (اشفعی و شیخانی، ۱۳۷۷، صص ۱۱ و ۱۲).

ماده ۳ دستورالعمل اجرایی مقرر می‌دارد: "در صورتی که در اثر پرداخت صورت حساب‌های

خرید کالا و خدمت، حساب دارنده کارت نزد مؤسسه اعتباری صادرکننده بدهکار گردد، دارنده-کارت مکلف است نسبت به تسویه مبلغ بدهی حساب خود ظرف مدت معین (حداکثر تا پایان مهلت پرداخت صورت حساب) اقدام نماید. "همان طور که در ماده ۱۳ دستورالعمل اجرایی آمده است، "مؤسسه اعتباری صادرکننده موظف است در فواصل زمانی مشخص و حداقل یکبار در ماه برای دارنده کارت، صورت حساب کارت خرید اعتباری را تهیه و به روش توافق شده برای دارنده کارت ارسال نماید. "بنابراین ارسال صورت حساب توسط مؤسسه اعتباری حسب توافق مقرر در قرارداد کارت خرید اعتباری انجام می گیرد، اما در هر حال باید حداکثر هر ماه یک صورت حساب ارسال شود.

در تبصره ماده ۱۳ قید شده است که "در صورتی که صورت حساب تا یک هفته پس از آغاز هر ماه به دست دارنده کارت نرسیده باشد، وی مکلف است مراتب را شخصا از مؤسسه اعتباری صادرکننده پیگیری نماید. "در ادامه این تبصره مسؤلیت رساندن صورت حساب به مشتری را کلاً از مؤسسه اعتباری سلب کرده و مقرر نموده است که "مؤسسه اعتباری صادرکننده در خصوص تأخیر یا عدم وصول صورت حساب توسط دارنده کارت مسؤلیتی نخواهد داشت. "این مقرر در جهت حمایت از مؤسسه های اعتباری وضع شده است و این مؤسسه ها را در مقابل ایراد عدم وصول صورت حساب و یا تأخیر در آن مصون می دارد. حمایت مزبور از این جهت اهمیت دارد که زمان تعلق بهره یا پرداخت وجه التزام به دریافت صورت حساب توسط دارنده کارت منوط نشود.

ماده ۱۴ دستورالعمل اجرایی مقرر می دارد که "حداکثر مهلت پرداخت صورت حساب ده روز پس از صدور توسط مؤسسه اعتباری صادرکننده می باشد. "از آنجا که طبق ماده ۷ دستورالعمل اجرایی مهلت پرداخت صورت حساب باید در قرارداد کارت خرید اعتباری معین شود، به نظر می رسد که ۱۰ روز مقرر در ماده ۱۴ فقط حداکثر را نشان می دهد، ولی صادرکننده می تواند در قرارداد کارت خرید اعتباری، زمان کوتاه تری را برای تسویه صورت حساب مقرر نماید.

چنانچه ظرف مهلت مقرر در قرارداد، مشتری نسبت به تسویه صورت حساب اقدام نکند، مشتری مشمول پرداخت وجه التزام خواهد شد. اما اگر ظرف مدت دو ماه از زمان صدور صورت حساب نسبت به تسویه بدهی خود اقدام نکند، طبق ماده ۱۶ دستورالعمل "کارت خرید اعتباری دارنده کارت باید موقتاً مسدود شده و امکان استفاده از میزان اعتبار باقیمانده آن به حالت تعلیق درآید. "

تعلق وجه التزام

بعد از این که دارنده کارت نسبت به خرید کالاها و خدمات اقدام نمود و مؤسسه اعتباری بدهی دارنده کارت را پرداخت کرد، چنانچه دارنده کارت تا زمان مقرر بدهی خود را با صادرکننده کارت تسویه کند، مشکل فقهی پیش نمی‌آید، زیرا انعقاد قرارداد کارت اعتباری فی نفسه مشکلی ندارد و از نظر شرعی نیز مصداق یک عقد صحیح است، همان‌طور که مراجع تقلید شیعه در استفتات خود^۱ و فتاوی صادره از مجمع فقه اسلامی^۲ صدور کارت‌های اعتباری را فی نفسه جایز دانسته و معامله با آنها را شرعاً مجاز اعلام کرده‌اند.

مشکل اصلی کارت‌های اعتباری مبلغ اضافی است که در مقابل عدم پرداخت به موقع اخذ می‌شود که می‌تواند از مصادیق ربا بوده و معامله را ربوی و حرام نماید. چنانچه دارنده کارت در مقابل افزایش بدهی تقاضای تقسیط و تمدید مدت کند، گفته شده که این امر از مصادیق ربا محسوب می‌شود (موسویان، ۱۳۸۴، ص ۵۸). با دادن قرض، مال قرض داده شده به ملکیت قرض گیرنده در می‌آید و او متعهد می‌شود در سررسید معین مثل مال قرض شده را برگرداند؛ بنابراین، هر نوع سود مربوط به مال قرض گرفته شده به قرض گیرنده متعلق خواهد بود؛ چنان‌که اگر هر نوع عیب یا تلف در مال قرض گرفته شده رخ دهد، مربوط به وی خواهد بود. به عبارت دیگر، در قرارداد قرض، قرض دهنده با انتقال ملکیت مال به قرض گیرنده (تبدیل مال عینی به مال ذمی) اصل مال خود را از هر نوع تغییر و تحوّل محفوظ می‌دارد؛ بنابراین گرفتن زیاده در قرارداد قرض جایز نیست، اعم از این که قرض برای مصرف یا سرمایه‌گذاری باشد. اگر صاحب سرمایه قصد دارد در سود حاصل از مال خود سهم شود، باید قراردادی غیر از قرارداد قرض، مانند مضاربه، مزارعه، مساقات و شرکت برگزیند تا همان‌گونه که در سود انتظاری شریک می‌شود، در ضرر احتمالی نیز مشارکت کند (همان، ص ۷۰).

۱. رجوع شود به استفتات مذکور در پیوست (یوسفندی، ۱۳۸۷).

۲. الشیخ محمد صالح المنجد، فتاوی الإسلام، سؤال و جواب ((www. islam-qa. com)) فتاوی واستشارات موقع الإسلام الیوم، علماء و طلبه علم ((www. islamtoday. net)) فتاوی الشبکه الإسلامیه، عنوان الفتوی: حکم شراء فیزا کارد بأكثر من قیمتها ((www. islamweb. net)) حسام الدین عفانه، فتاوی یسالونک (www. yasaloonak. net)

شورای نگهبان نیز در نظرات اولیه خود اعلام نمود که "مطالبه مازاد بر بدهی بدهکار به عنوان خسارت تأخیر تأدیه چنانچه امام (مدظله) نیز صریحا به این عبارت (آن چه به حساب دیرکرد تأدیه بدهی گرفته می‌شود، ربا و حرام است) اعلام نموده‌اند، جایز نیست و احکام صادره بر این مبنی شرعی نمی‌باشد." (نظریه شماره ۳۸۴۵ شورای نگهبان، ۱۳۶۴/۴/۱۲؛ روزنامه رسمی، شماره ۱۲۸۳۴، مورخ ۱۳۶۷/۱۲/۲۵). شورای نگهبان در نظریه دیگر اذعان نمود که ملاحظه بدهکار در ادای دین شرعا جرم و قابل تعزیر است، ولی امکان دریافت جریمه وجود ندارد (روزنامه رسمی، شماره ۱۲۸۳۴، مورخ ۱۳۶۷/۱۲/۲۵).

از طرف دیگر، مزایای متعدد استفاده از کارت‌های اعتباری برای دارندگان کارت‌ها، بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی باعث شده تا در جوامع صنعتی از این کارت‌ها استقبال شایانی صورت گیرد؛ به طوری که طی چند دهه گذشته به‌کارگیری این کارت‌ها در معامله‌ها گسترش یافته و حجم بزرگی از مبادله‌ها را به خود اختصاص داده است و پیش‌بینی می‌شود که در آینده نزدیک کارت‌های مزبور جایگزین کامل اسکناس شود (اسماعیلی، ۱۳۸۱، ص ۱). منافع متعدد استفاده از کارت‌های اعتباری و گسترش روزافزون آن‌ها، اندیشه‌وران اسلامی و کارشناسان بانک‌های بدون ربا را بر آن داشته است تا با استفاده از معامله‌های مجاز شرعی به فکر استفاده از کارت‌های اعتباری در بانکداری بدون ربا بیفتند و در این جهت چندین راه‌حل پیشنهاد شده است. در این قسمت، به نقد و بررسی فقهی و اجرایی آن راه‌حل‌ها می‌پردازیم.

طراحی کارت اعتباری براساس قرارداد حواله و جریمه تأخیر تأدیه

مطابق این طرح، دارنده کارت، کالاها و خدمات مورد نیاز خود را از مراکز تجاری و خدماتی طرف قرارداد کارت اعتباری می‌خرد؛ سپس با قراردادن کارت اعتباری در دستگاه مربوط، فروشنده را برای دریافت قیمت کالاها و خدمات به صادرکننده کارت حواله می‌دهد. صادرکننده کارت با پرداخت بهای کالاها و خدمات، حساب دارنده کارت را پیش خود بدهکار می‌کند و به او فرصت می‌دهد تا یک ماه (روز مشخصی از ماه بعد) بدون هیچ افزایشی بدهی خود را به بانک بپردازد. صادرکننده کارت ضمن قرارداد حواله، شرطی را به صورت جریمه تأخیر تأدیه می‌گنجاند، به این بیان که دارنده کارت (حواله‌دهنده) ضمن شرطی در قرارداد حواله متعهد می‌شود که چنانچه بدهی خود را به موقع به صادرکننده کارت (حواله‌شونده) نپردازد، به ازای هر روز تأخیر، مبلغ معینی را به عنوان جریمه بپردازد.

طراحی کارت اعتباری براساس قرارداد جعاله و جریمه تأخیر تأدیه

مطابق این طرح، صادرکننده کارت اعتباری با دارنده کارت قرارداد جعاله منعقد کرده، متعهد می‌شود تا سقف اعتبار کارت اعتباری، بدهی‌های دارنده کارت (ناشی از خرید به وسیله کارت) را بپردازد و دارنده کارت متعهد می‌شود، طبق ضوابط کارت اعتباری حداکثر تا یک ماه بدهی خود را به صادرکننده کارت بپردازد و در ضمن جعاله متعهد می‌شود، چنانچه در پرداخت بدهی به صادرکننده کارت کوتاهی کند، به ازای هر روز تأخیر متناسب با مبلغ بدهی، مبلغ معینی جریمه بپردازد. در این روش، زمانی که دارنده کارت، کالا یا خدمتی را از مراکز تجاری طرف قرارداد می‌خرد و کارت اعتباری خود را در دستگاه مربوطه قرار می‌دهد، بانک (صادرکننده-کارت) طبق قرارداد جعاله، بدهی دارنده کارت را می‌پردازد؛ سپس دارنده کارت مهلت دارد تا یک ماه بدون هیچ افزایشی، بدهی خود را به بانک بپردازد و چنانچه در پرداخت بدهی تأخیر کند، مطابق شرط ضمن قرارداد جعاله، متناسب با مبلغ و مدت تأخیر، جریمه می‌پردازد.

طراحی کارت اعتباری براساس قرارداد بی‌نام و وجه التزام

مطابق این طرح، صادرکننده کارت اعتباری با دارنده کارت قرارداد بی‌نامی (طبق ماده ۱۰ قانون مدنی ایران) منعقد می‌کند که به موجب آن صادرکننده متعهد می‌شود تا سقف اعتبار کارت اعتباری، بدهی‌های دارنده کارت (ناشی از خرید به وسیله کارت) را بپردازد و دارنده-کارت متعهد می‌شود طبق ضوابط کارت اعتباری حداکثر تا مدت معینی بدهی خود را به صادرکننده کارت بپردازد و در ضمن آن قرارداد متعهد می‌شود، چنانچه در پرداخت بدهی به صادرکننده کارت کوتاهی کند، به ازای هر روز تأخیر متناسب با مبلغ بدهی، مبلغ معینی تحت عنوان وجه التزام به صادرکننده پرداخت نماید.

از ابتدای بانکداری اسلامی بدون ربا در ایران، سیستم بانکداری دچار چالش بزرگی شد. بانکداری اسلامی به هیچ عنوان نمی‌توانست تبعات مماطله در پرداخت اقساط را متقبل شود و بنابراین باید راه‌کاری برای حل آن اندیشه می‌شد که بانک‌ها بتوانند از کسانی که در پرداخت اقساط خود تأخیر می‌کنند، جریمه دریافت نمایند. در استفتایی از مرحوم آیت الله گلپایگانی در خصوص موضوع، آن مرحوم چنین مرقوم نمودند: "جریمه نیز حرام است، ولی اگر مدیون به نحو شرعی در ضمن عقد لازم متلزم شده باشد که اگر در موعد مقرر تأخیر انداخت، مبلغ معینی مجانا بدهد، اشکال ندارد" (گلپایگانی، ۱۴۱۲ق، ص ۹۱). به استناد این فتوا و در جهت حل مشکل بانک‌ها، شورای نگهبان گنجانیدن وجه التزام در قراردادهای اعطای تسهیلات را

مجاز اعلام کرد. بر این اساس بانک مرکزی ایران و شورای نگهبان روی شرطی به شرح زیر توافق کردند که در قراردادهای اعطای تسهیلات گنجانده شود: "در صورت عدم تسویه کامل اصل بدهی ناشی از قرارداد تا سررسید مقرر به علت تأخیر در تأدیه بدهی ناشی از این قرارداد از تاریخ سررسید تا تاریخ تسویه کامل، اصل بدهی مبلغی به ذمه امضاء کننده این قرارداد تعلق خواهد گرفت" (نظریه شماره ۷۷۴۲ شورای نگهبان، ۱۳۶۱/۱۱/۲۸).

دستورالعمل اجرایی نیز همین راه حل را پذیرفته است. مطابق ماده ۳ این دستورالعمل، "در صورتی که در اثر پرداخت صورت حساب های خرید کالا و خدمت، حساب دارنده کارت نزد مؤسسه اعتباری صادرکننده بدهکار گردد، دارنده کارت مکلف است، نسبت به تسویه مبلغ بدهی خود ظرف مدت معین (حداکثر تا پایان مهلت پرداخت صورت حساب) اقدام نماید. در غیر این صورت مشمول پرداخت وجه التزام به نسبت مدت و مبلغ به نحوی که در قرارداد پیش بینی شده است خواهد شد." در تبصره ۱ همین ماده قید شده که تعیین وجه التزام با توافق طرفین است، ولی برای آن حداقل ۲۰ درصد سالیانه و حداکثر ۳۰ درصد در نظر گرفته شده است. در تبصره ۲ آمده است که "نحوه تعیین وجه التزام باید صراحتاً در قرارداد منعقد شده بین مؤسسه اعتباری صادرکننده و دارنده کارت ذکر شود." در تبصره ۳ به مؤسسه اعتباری صادرکننده اجازه داده است که چنانچه دارنده کارت ظرف دو ماه از زمان صدور صورت حساب نسبت به تسویه حساب اقدام نکند، نسبت به قطع ارایه خدمات کارت خرید اعتباری و وصول مطالبات خود از طرق قانونی اقدام نماید.

راه حل پذیرفته شده در دستورالعمل اجرایی دارای اشکالاتی است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود.

ابهام در ماهیت حقوقی قرارداد

در هیچ کدام از مواد دستورالعمل اجرایی در خصوص ماهیت حقوقی قرارداد منعقد شده بین صادرکننده و دارنده کارت اعتباری تصریحی وجود ندارد. این قرارداد می تواند در قالب یکی از عقود معین حواله، جعاله و یا وکالت توجیه گردد. از آنجا که در دستورالعمل اجرایی در خصوص عقد معین خاصی صراحت وجود ندارد، مشکل است که بتوان احکام خاص یکی از عقود معین را به قرارداد مزبور سرایت داد. راه حلی که به نظر می رسد، این است که قرارداد مزبور به استناد ماده ۱۰ قانون مدنی منعقد شده و لازم الاجرا است و می تواند هر شرط جایزی را در آن گنجانند. بنابراین، قرارداد مزبور تابع اصول کلی حقوق قراردادها است بدون این که

تابع مقررات خاص هیچ کدام از عقود معین باشد. به موجب این قرارداد صادرکننده پرداخت وجه خرید کالا و خدمت را تعهد و تضمین می‌کند و متقابلاً دارنده کارت به بازپرداخت اصلی بدهی در موعد مقرر و وجه التزام متعلقه در صورت تأخیر متعهد می‌گردد.

عدم امکان تقسیط

در بانکداری متعارف خیلی از دارندگان کارت اعتباری، پس از خرید کالاها و خدمات، به بانک مراجعه کرده تقاضای تقسیط بدهی خود را می‌کنند و بانک با افزودن مبلغی روی اصل بدهی آن را قسط‌بندی می‌کند، رابطه حقوقی مذکور در دستورالعمل اجرایی چنین امکانی را پیش بینی نکرده است. با این وجود، در ماده ۱۶ دستورالعمل اجرایی آمده است که "در صورتی که دو ماه پس از صدور هر صورت‌حساب مطالبات مؤسسه اعتباری صادرکننده وصول نشود، کارت خرید اعتباری دارنده کارت باید موقتاً مسدود شده و امکان استفاده از میزان اعتبار باقیمانده آن به حالت تعلیق درآید." در تبصره همین ماده آمده است که چنانچه دارنده کارت ظرف شش ماه پس از صدور صورت حساب نسبت به تأدیه تعهدات خود در قبال بانک اقدام نماید، پس از گذشت شش ماه از تاریخ پرداخت از کارت وی رفع مسدودی به عمل می‌آید. به هر حال در صورت تأخیر در پرداخت، دارنده کارت مشمول جریمه دیر کرد و یا وجه التزام به میزان مذکور در قرارداد خواهد شد.

گسترش باب جریمه تأخیر

گنجانیدن وجه التزام در خصوص عدم پرداخت به موقع دیون، شبهه ربوی بودن این نوع توافقات را از بین نمی‌برد. چنانچه اخذ اضافه بر اصل بدهی ربا تلقی شود، اصولاً توافق طرفین و این که مبلغی در صورت تأخیر به ذمه مدیون تعلق گیرد و یا مدیون متعهد شود که مبلغی را مجاناً به دائن پرداخت کند، نمی‌تواند مشکل را کاملاً حل نماید. فرض کنید شخص (الف) تمایل دارد که مبلغی را به (ب) قرض دهد و ۱۵٪ بهره دریافت کند. طرفین برای حصول به این نتیجه ممکن است توافق کنند که قرض برای مدت معینی (مثلاً یک روز) باشد و از آن به بعد در صورت تأخیر در پرداخت، سالیانه ۱۵٪ به ذمه مدیون تعلق گیرد، یا متعهد باشد که سالیانه ۱۵٪ مجاناً به دائن پرداخت کند و یا به عنوان وجه التزام ۱۵٪ به شخص (الف) پرداخت نماید.

اگر چه برخی از فقها با این روش موافق می‌باشند و در عمل نیز سیستم بانکداری بدون ربا در ایران بر همین اساس استوار شده است، لکن همچنان برخی از مراجع با این روش و شیوه اجرایی آن مخالف هستند. حتی اگر شبهه ربوی بودن آن نیز طبق برخی نظرات فقهی وجود نداشته باشد، گسترش این نوع توافقات می‌تواند هدف شارع در حرمت ربا را تحت تأثیر قراردادها که امر مطلوبی نیست. بنابراین، قراردادهای بانکی باید به گونه‌ای تنظیم شود که در موارد کم‌تری با جریمه تأخیر و وجه التزام دیرکرد مواجه شود. این در حالی است که طبق آمارهای موجود حدود ۳۰ درصد استفاده‌کنندگان کارت‌های اعتباری در فرصت تنفس (یک ماه) اقدام به پرداخت بدهی می‌کنند و ۷۰ درصد باقیمانده باید مبلغ اضافی را تحت عنوان بهره یا وجه‌التزام یا خسارت دیرکرد، پرداخت کنند. این امر به تدریج ذهنیت دریافت ربا تحت عنوان وجه‌التزام یا جریمه را در جامعه تقویت خواهد کرد.

سقف اعتبار

کارت‌های اعتباری اصولاً برای خریدهای جزئی و روزانه طراحی شده است، ولی به تدریج جایگاه مهمی پیدا کرده و بعضاً برای خریدهای بزرگ هم از آن استفاده می‌شود. به همین منظور بانک‌ها اقدام به طراحی انواعی از کارت‌های اعتباری با سقف‌های متفاوت می‌کنند. به گونه‌ای که کارت‌های طلایی معادل چندین ماه حقوق دریافتی دارنده‌کارت دارای سقف اعتبار است. طبق ماده ۱ دستورالعمل اجرایی، «سقف اعتبار» عبارت است از حداکثر مبلغی که مؤسسه اعتباری صادرکننده تعهد می‌کند، بهای کالا و خدمت را به صورت قرض‌الحسنه تأمین مالی نماید. نکته قابل توجه در این دستورالعمل این است که برای هر فرد یک «سقف مجاز اعتباری» در نظر گرفته شده است که عبارت است از حداکثر تسهیلات قرض‌الحسنه قابل ارایه به یک شخص در شبکه بانکی کشور که مطابق با ضوابط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد. بنابراین برای تعیین «سقف اعتبار» متقاضی ابتدا کل مبلغی که متقاضی می‌تواند طبق ضوابط از شبکه بانکی کشور تسهیلات قرض‌الحسنه دریافت کند، تعیین می‌شود. سپس میزان تسهیلات قرض‌الحسنه دریافتی متقاضی تحت عنوان قرض‌الحسنه از جمله کارت‌های اعتباری دریافتی قبلی محاسبه و در صورتی که مبلغی باقی باشد، به متقاضی اختصاص پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، «سقف اعتبار» متقاضی بر اساس «مانده اعتبار فردی» تعیین می‌شود که در دستورالعمل به «سقف مجاز اعتباری هر شخص منهای حاصل جمع تسهیلات قرض‌الحسنه دریافتی او و مجموع سقف اعتبار کارت‌های خرید اعتباری صادر شده برای آن شخص»

تعریف شده است. نکته مثبت روش مذکور این است که یک فرد نمی‌تواند از طریق اخذ کارت‌های اعتباری متعدد دیون خود را بی‌رویه افزایش دهد و خود و شبکه بانکی را دچار مشکل نماید. نکته منفی آن این است که ممکن است سقف کارت‌های اعتباری خیلی محدود شود و این امر مانع از گسترش کارت‌های اعتباری در نظام بانکی و مالی ایران شود.

هزینه‌ها و کارمزد خدمات کارت

علاوه بر وجه التزام که ممکن است در صورت تأخیر در تسویه بدهی به ذمه دارنده کارت اعتباری تعلق پیدا کند، متقاضی کارت به موجب قراردادی که با مؤسسه اعتباری صادرکننده منعقد می‌کند باید دو هزینه دیگر را نیز متحمل شود. اول هزینه صدور کارت است. طبق ماده ۷ دستورالعمل اجرایی، این هزینه باید به صورت مقطوع در قرارداد ذکر شود و نباید از هزینه تمام شده آن تجاوز نماید. دوم هزینه آبونمان سالیانه است. در این دستورالعمل هزینه آبونمان معین نشده و حد و حدودی نیز برای آن در نظر گرفته نشده است. فقط در ماده ۲۲ آمده است که مؤسسه اعتباری صادرکننده مجاز به اخذ هزینه و یا کارمزد به ازای هر خرید کالا یا خدمت (تراکنش) یا به نسبت مبلغ خرید نیست.

قابلیت کارت خرید اعتباری

همان‌طور که از نام «کارت خرید اعتباری» قابل استنباط است، این کارت‌ها صرفاً برای خرید کالاها و خدمات از فروشگاه‌هایی که طرف قرارداد مؤسسه اعتباری صادرکننده‌اند اختصاص پیدا کرده است. مطابق ماده ۱ دستورالعمل اجرایی پذیرنده کارت، عبارت است از فروشنده کالا یا خدمت که وجه کالا یا خدمت فروخته شده را با پذیرش کارت پرداخت خریدار در پایانه فروش فیزیکی یا مجازی دریافت می‌کند. همین امر در ماده ۴ نیز تصریح شده است و قید شده است که کارت خرید اعتباری در پایانه فروش اعم از فیزیکی و مجازی قابل استفاده است.

بر خلاف کارت‌های اعتباری معمول در سطح جهان مثل «ویزا کارت»^۱ و «مسترکارت»^۲، دارنده کارت خرید اعتباری نمی‌تواند از دستگاه‌های خودپرداز وجه نقد دریافت نماید. ماده ۴ دستورالعمل اجرایی مقرر می‌دارد: "کارت خرید اعتباری صرفاً در پایانه‌های فروش (اعم از

1. VisaCard
2. MasterCard

فیزیکی و مجازی) و جهت پرداخت وجه کالا یا خدمت خریداری شده قابل استفاده بوده و تحت هیچ عنوان نباید برای دریافت وجه نقد استفاده شود." از آنجا که در ماده ۱۰ آیین‌نامه نظام بانکداری الکترونیکی مصوب هیأت وزیران بانک مرکزی مکلف شده است که دستورالعمل صدور و راهبری کارت‌های اعتباری فراگیر را که فاقد قابلیت برداشت نقدی بوده به شبکه بانکی کشور ابلاغ نماید، بانک مرکزی به‌جای صدور دستورالعمل برای کارت‌های اعتباری، نسبت به صدور دستورالعمل اجرایی برای کارت خرید اعتباری اقدام کرده است. ظاهراً هیأت وزیران محدودیت‌هایی داشته که به‌جای تجویز کارت اعتباری برای خرید و دریافت وجه، تنها خرید را اجازه داده است و به بانک مرکزی اجازه نداده که مقرراتی تنظیم کند که افراد مجاز باشند که از کارت اعتباری برای دریافت وجه نقد اقدام کنند. عدم شفافیت در وضعیت فقهی کارت اعتباری و اعتراضات احتمالی، هیأت وزیران و به تبع آن بانک مرکزی را بر آن داشته که در مرحله اول تنها خرید کالا و خدمات را پوشش دهد. هرچند در ماده ۲ دستورالعمل اجرایی قید شده است که صادرکننده باید وجه صورت‌حساب‌های مشتری را به پذیرندگان کارت (که کالاها و خدماتی را به مشتری فروخته‌اند) و "یا بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیر بانکی آنها، تعهد و تضمین نماید"، از این ماده نمی‌توان استنباط کرد که امکان برداشت وجه نقد از این کارت‌ها وجود دارد، زیرا در ماده ۴ دستورالعمل اجرایی تصریح شده است که نباید از کارت خرید اعتباری برای دریافت وجه نقد مورد استفاده قرارگیرد. منظور از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیر بانکی مذکور در ماده ۲ اعضای شبکه شتاب هستند که به جای بانک صادرکننده پول پذیرنده کارت، یعنی فروشنده کالا یا خدمت را پرداخت می‌کنند، که در این صورت صادرکننده مبلغ پرداختی آنها را جبران می‌نماید.

پرسشی که در اینجا وجود دارد این است که چرا قانون‌گذار امکان دریافت وجه نقد را از این کارت‌ها ممنوع کرده است. در حالی که این امر با فلسفه وجودی کارت اعتباری سازگاری ندارد. کارت‌های اعتباری به گونه‌ای طراحی شده‌اند که هم امکان خرید کالا یا خدمات و هم برداشت وجه نقد را برای دارنده خود فراهم می‌سازد. بدین ترتیب نباید از این مهم غافل شد که در بسیاری از موارد هدف دارندگان کارت اعتباری، امکان استفاده از کارت و بهره‌مند شدن از مزایای آن است که یکی از آنها دسترسی به وجه نقد است. در ایران که هنوز بسیاری از

کسبه و عرضه‌کنندگان خرد کالاها و خدمات مجهز به دستگاه «پایانه فروش»^۱ نیستند، نیاز به نقدینگی برای خرید کالا و خدمت اساسی است و عدم امکان دریافت وجه نقد مانع بزرگی برای توسعه کارت‌های اعتبار در کشور است. در هر حال، دستورالعمل اجرایی امکان دریافت وجه نقد را از دارنده سلب کرده و بدین جهت به جای استفاده از عبارت «کارت اعتباری»، عبارت «کارت خرید اعتباری» را به کار برده است.

مطابق مقررات مندرج در دستورالعمل اجرایی، کارت خرید اعتباری برای اشخاص حقیقی و حقوقی غیر دولتی صادر می‌شود. بنابراین برای دستگاه‌های دولتی کارت خرید اعتباری صادر نمی‌شود. ظاهراً این محدودیت شامل شرکت‌های دولتی که به فعالیت‌های اقتصادی و تجاری مشغول هستند، نیز تسری پیدا می‌کند. با توجه به نیاز این شرکت‌ها به داشتن خرید اعتباری دلیل قانع‌کننده‌ای مبنی بر ممنوعیت آنها از داشتن کارت خرید اعتباری وجود ندارد. این امر ممکن است، بیش‌تر از باب مصلحت سنجی و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی باشد.

مدت اعتبار کارت خرید اعتباری

کارت‌های اعتباری معمولاً دارای زمان انقضا است که به صورت برجسته روی کارت درج می‌شود و استفاده از آن پس از انقضای مدت امکان‌پذیر نیست. تعیین مدت انقضا در کارت ملازمه‌ای با مدت دار بودن قرارداد منعقد بین مؤسسه اعتباری و دارنده کارت ندارد. ولی چنانچه قرارداد متضمن مدت معینی باشد، طبیعتاً مدت اعتبار کارت نمی‌تواند از مدت قرارداد زیادتر باشد. در صورتی که قرارداد مدت داشته باشد، با انقضای آن، قرارداد خاتمه می‌یابد و تمدید آن به توافق طرفین نیاز دارد.

اگر مدت معینی در قرارداد قید نشده باشد، برخی گفته‌اند که طرفین می‌توانند هر زمان به قرارداد خاتمه دهند، به این نحو که دارنده کارت می‌تواند کارت را به مؤسسه اعتباری صادرکننده عودت دهد. هم‌چنین مؤسسه اعتباری صادرکننده نیز با حسن نیت می‌تواند بنا به مصلحت بانک و هم‌چنین در نظر گرفتن مصلحت و شرایط دارنده کارت، در مهلت مناسبی که موجب ضرر و خسارت به دارنده نشود، به او اطلاع دهد که قصد دارد از ادامه قرارداد منصرف شود. مهلت زمانی مزبور باید به حدی باشد که دارنده در صورت لزوم و صلاح دید خود قادر به انعقاد قرارداد با مؤسسه اعتباری دیگری باشد (الزعتری، ۱۴۰۳، صص ۸۸ و ۹۳). البته مؤسسه

1. point of sale

اعتباری صادرکننده معمولاً دلیلی ندارد که به قرارداد مزبور پایان دهد، مگر برای آن توجیهی مثل بد حسابی و امثال آن وجود داشته باشد.

تبصره ماده ۷ حداکثر مدت اعتبار کارت خرید ۳ سال تعیین شده است. بانک می‌تواند مدت زمان کوتاه‌تری را معین نماید که در این صورت باید مدت مزبور در قرارداد قید شود. هرچند، در دستورالعمل اجرایی اشاره‌ای به تمدید قرارداد یا تمدید مدت اعتبار کارت نشده است، تمدید قرارداد یا کارت خرید اعتباری مطابق با اصول حقوقی است که با توافق طرفین و وجود شرایط لازم از قبیل بد حساب نبودن دارنده کارت امکان‌پذیر می‌باشد.

در دستورالعمل اجرایی صراحتاً قید نشده است که آیا قرارداد باید دارای مدت معینی باشد و یا این که قرارداد می‌تواند بدون مدت منعقد شود. فقط در ماده ۷ دستورالعمل آمده است که مؤسسه اعتباری صادرکننده مکلف است که طی قرارداد خود با متقاضی کارت خرید اعتباری، مدت اعتبار کارت را به روشنی ذکر نماید. همان‌طور که در بالا گفته شد، تعیین مدت برای اعتبار کارت به منزله این نیست که قرارداد مزبور نیز باید مدت دار باشد. به همین جهت نیز در ماده ۷ سخنی از مدت دار بودن قرارداد به میان نیامده است، ولی به مدت دار بودن کارت تصریح شده است. در هر حال به نظر نمی‌رسد که انعقاد قرارداد بدون مدت اشکال داشته باشد. با این وجود، چون در قرارداد میزان وجه التزام (جریمه دیرکرد) ذکر می‌شود، به مصلحت مؤسسه اعتباری صادرکننده است که تعهد به تعیین وجه التزام را برای مدت معینی بپذیرد و این امکان را برای خود فراهم سازد که برای دوره‌های بعد در میزان وجه التزام تجدید نظر نماید.

چه قرارداد مدت دار یا بدون مدت باشد، طبق دستورالعمل اجرایی چنانچه دو ماه پس از صدور هر صورت حساب مطالبات مؤسسه اعتباری صادرکننده وصول نشود، کارت خرید اعتباری موقت به حالت تعلیق درآمده و موقتاً مسدود می‌شود. در صورتی که دارنده کارت ظرف شش ماه مزبور مطالبات مؤسسه اعتباری را پرداخت نکند، کارت خرید اعتباری وی باطل می‌شود و دارنده به عنوان مشتری بد حساب معرفی می‌گردد که تا رفع سوء اثر نمی‌تواند کارت اعتباری جدیدی اخذ نماید. چنانچه دارنده کارت ظرف شش ماه بدهی خود را پرداخت نماید، شش ماه پس از پرداخت بدهی، کارت مجدداً معتبر می‌شود.

رسیدگی به اختلافات

یکی از مسایل اساسی در خصوص کارت‌های اعتباری رسیدگی به اختلافات و حل و فصل شایسته آن است. در دستورالعمل اجرایی مقرراتی وجود دارد که به طور کلی به موضوع اشاره

کرده است، ولی از جزییات، آیین رسیدگی و ضمانت اجراها غفلت نموده است. در ماده ۷ دستورالعمل اجرایی که در مقام بیان برخی از شرایط مندرج در قرارداد بین بانک و مشتری است، قید شده است که قرارداد باید حاوی "نحوه اعتراض به صورت حساب و شیوه رسیدگی و داوری" باشد. به نظر نمی‌رسد که منظور از داوری مذکور در بند مزبور این باشد که بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری باید حتما در قراردادهای خود با مشتریان ذکر کنند که اختلافات نهایتاً از طریق داوری حل و فصل خواهد شد؛ بلکه منظور این است که اگر به تشخیص بانک یا مؤسسه اعتباری مربوط اختلاف باید از طریق داوری حل و فصل گردد، این موضوع باید در قرارداد قید شود.

در ماده ۱۵ دستورالعمل اجرایی و تبصره آن آمده است که "دارنده کارت می‌تواند به صورت حساب مؤسسه اعتباری صادرکننده ظرف مدت یک ماه پس از صدور، اعتراض کند. مؤسسه اعتباری صادرکننده باید به اعتراض رسیدگی و ظرف سه روز کاری نتیجه را به دارنده کارت اعلام کند. تبصره: چنانچه اعتراض دارنده کارت وارد تشخیص داده شود، مؤسسه - اعتباری صادرکننده مکلف است وجوه مورد اعتراض و وجه التزام احتمالی ماخوذه را بلافاصله به حساب دارنده کارت واریز نماید." براساس این ماده دارنده کارت می‌تواند به صورت حساب صادره توسط مؤسسه اعتباری صادرکننده اعتراض نماید و مؤسسه صادرکننده ملزم است که به اعتراض دارنده رسیدگی کند و چنانچه اعتراض دارنده کارت وارد تشخیص داده شود، وجوه مورد اعتراض و وجه التزام احتمالی ماخوذه را بلافاصله به حساب دارنده کارت واریز نماید. به غیر از مفاده ماده ۱۵، دستورالعمل فاقد جزییات بیش‌تری در مورد نحوه رسیدگی، هزینه‌های مربوط به طرح دعاوی و هزینه‌های مربوط به پیگیری‌های قانونی و یا حتی مرجع داوری در مرحله اعتراض به صورت حساب است. این جزییات به قرارداد منعقد شده بین بانک و مشتری محول شده است.

نتیجه

هر چند دستورالعمل اجرایی صدور و راهبری کارت خرید اعتباری زمینه‌ساز خوبی برای ایجاد نظام پرداخت توسط کارت اعتباری است، هنوز برای نهادینه کردن استفاده از کارت اعتباری در کشور راه طولانی در پیش است. تصویب قانون جامعی برای اعطای وام‌های مصرفی از جمله کارت‌های اعتباری در جهت حفظ و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان ضروری است. بسیاری از مسایل مهم مربوط به کارت‌های اعتباری از جمله تعیین ماهیت قرارداد منعقد شده بین بانک و مشتری، تجویز اخذ وجه التزام، تعیین حداکثر سقف برای آن، رسیدگی به اختلافات و حل و فصل آنها از جمله مسایل مهمی است که نیاز به وضع قانون دارد و با وضع مقررات از طریق دستورالعمل اجرایی قابل حصول نیست. به دلیل فقدان بستر حقوقی مناسب، دستورالعمل اجرایی در موارد متعدد از چارچوب یک دستورالعمل خارج شده و عملاً به وضع قانون و مقررات در خصوص کارت‌های خرید اعتباری پرداخته است. دستورالعمل اجرایی ممکن است فردا به طور سلیقه‌ای توسط بانک مرکزی تغییر و یا اصلاح شود که این می‌تواند به توسعه با ثبات کارت‌های اعتباری در سیستم مالی ایران صدمه بزند.



منابع و مأخذ

۱. ابراهیم ابوسلیمان، عبدالوهاب (۱۴۲۴ ق)، "البطاقات البنکیة: الاقراضیة و السحب المباشر من الرصيد"، الطبعة الثانية، دمشق، دارالقلم.
۲. اسماعیلی، کریم (۱۳۸۱)، "کارت اعتباری بهتر است یا اسکناس دو هزار تومانی"، روزنامه آسیا، ۱۳۸۱/۱۱/۱۵.
۳. اشغعی، محمد صادق؛ شیخانی، سعید (۱۳۷۷)، "کارت های بانکی و چگونگی کاربرد آنها در جمهوری اسلامی ایران"، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
۴. امیرحسینی، خسرو (۱۳۸۰)، "کارت اعتباری ضرورتی فراموش شده"، ابرار اقتصادی، ۱۳۸۰/۴/۲۶.
۵. امیراصلانی، اسداله (۱۳۷۶)، "استفاده از سیستم کارت های اعتباری"، مجموعه مقالات و سخنرانی های هشتمین سمینار بانکداری اسلامی.
۶. بدوی، احمد زکی (۱۴۲۴ ق)، "معجم المصطلحات التجارية و التعاونیة"، الطبعة الثانی، القاهرة، دارالکتاب المصری.
۷. اللجنة الدائمة للبحوث العلمية و الافتاء (۱۴۳۰ ق)، "المعاملات المصرفیة"، مجلة البحوث، الفقهیة، العدد ۸.
۸. الزعتری، علاءالدین (۱۴۲۴)، "المعاملات المالیة، فتاوی فقهیة معاصرة"، الجمهوریة العربیة السوریة، بیت الحکمة.
۹. صالح المنجد، الشیخ محمد، "فتاوی الإسلام: سؤال و جواب"، قابل دسترس در سایت: www.islam-qa.com.
۱۰. فتاوی الشبكة الإسلامیة، "حکم شراء فیزا کارد بأكتر من قیمتها"، قابل دسترس در سایت: www.islamweb.net.
۱۱. فتاوی واستشارات موقع الإسلام الیوم، "علماء و طلبة علم"، قابل دسترس در سایت: www.islamtoday.net.
۱۲. فرهنگ، منوچهر (۱۳۷۱)، "فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی"، چ اول، تهران، نشر البرز.

۱۳. عفانه، حسام الدین، "فتاویٰ یسألونک"، قابل دسترس در سایت: www.yasaloonak.net.
۱۴. قدیری اصلی، باقر (۱۳۷۶)، "پول و بانک"، چ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. قلعه جی، محمد رواس (۱۴۲۰ ق)، "المعاملات المالية المعاصرة فى ضوء الفقه و الشريعة"، چ اول، کویت، دارالنفاس.
۱۶. کلانکی، ابوالفضل (۱۳۷۸)، "پول الکترونیکی در ایران، ورود با تاخیر"، صنعت حمل و نقل، شماره ۱۸۱.
۱۷. گلپایگانی، محمدرضا (۱۴۱۲ق)، "مجمع المسائل"، قم، دارالقرآن الکریم.
۱۸. مراد، عبدالفتاح (بی تا)، "المعجم القانونى رباعى اللغة"، المصر، الاسکندریة.
۱۹. موسویان، سید عباس (۱۳۸۳)، "کارت‌های اعتباری در بانکداری بدون ربا"، مجله اقتصاد اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۳.
۲۰. موسویان، سید عباس (۱۳۸۴ تابستان)، "ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری"، مجله اقتصاد اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۸.
۲۱. موسویان، سید عباس (۱۳۸۴ زمستان)، "بررسی فقهی کارت‌های اعتباری در بانکداری بدون ربا"، مجله اقتصاد اسلامی، سال پنجم، شماره ۲۰.
۲۲. یوسفندی، آناهیتا (۱۳۷۸)، "بررسی حقوقی کارت‌های اعتباری"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پردیس قم، دانشگاه تهران.